

هیچ قانونی بالاتر
از اراده مردم نیست
مصدق

جبهه ملی ایران

استقرار حاکمیت ملی
هدف جبهه ملی ایران
است

بها: ۱۰ ریال شنبه دوازدهم اسفند ماه ۵۷ شماره ۱۰۰

رسالت جبهه ملی ایران

اول دفتر به نام ایزد دانا

مدار انقلاب

یک حرکت انقلابی اصیل، یک پیروزی انقلابی راستین نیاز دارد. این پیروزی بازده طبیعی آن اصالت است و آن اصالت مایه گرفته از نیازهای ملتی پویانده.

از کاست دانه های انقلاب تا برچیدن محصول انقلاب: دانه ی خوب، شخم خوب، محصول خوب، این راهی است که بی شک رفته ایم و اینک محصول، یا دستاورد انقلاب در دست های ماست، در خانه های ما و در انبارهای ما. تنها کار بردرست این محصول است که به انقلاب کمال می بخشد و شاید، حتی معنا و بعد تاریخی.

اکنون، سخن از پختن است و به کار برن، سخن از ترکیب متناسب دانه هاست و نظارت دقیق و مملو از شکیبایی، و بیش از این سخن از تقسیم عادلانه ی خوراکی است که دسترنج دهقان انقلاب است - دسترنج مردم هشی باخته ی کوچک و بازار.

سخن از این است به وقت - که آنچه با این همه درد و رنج و این همه اراده ی طغیان کننده و بازوی کار انقلاب به دست آمده دردیگ تاریخ نسوزد، متعفن نشود، از میان نرود و باز به چیزی که باید به زبانه دانی تاریخ ریخته شود، تبدیل نگردد.

جهت نیرویی که درباره کردن زنجیرهای اسارت به کار می رود، با جهت نیرویی که میخواهد بخش تاریخی حیات یک ملت را به هم پیوندد، یکی نیست. بی پرده بگوییم متضاد است.

اگر در گذشته، به شوریدگی انقلابی، جوشش عینی و تاختنی در هم کوبیده نیاز بود از این پس، نیازها شکل و ماهیتی دیگر خواهد داشت، یعنی باید داشته باشد.

ایران کردن چیزی که باید ویران شود یک مساله است و ساختن چیزی که باید ساخته شود، مساله ی دیگر، بویژه وقتی بدانیم که نمیخواهیم حتی از مصالح بنای مخروب، در ساخت بنای نوساز استفاده کنیم. برای خراب کردن، اگر کنگ و... اراده ی خشکین فروریزند به کار میآید برای ساختن توان محاسبه ی ریاضی، مصالحی به وقت انتخاب شده و اراده ی آرام و درونی لازم است تا بنای نو، نه تنها اعتبار آن فروریزند دلبرانه را از میان نبرد، بلکه به خلق ارزش های نو نیز بپردازد.

بقیه در صفحه ۲

نگرانی رادیولندن در مورد فروش مستقیم نفت ایران!

رادیولندن - براساس گزارش مطبوعات انگلیس، صادرات نفت ایران از هفته آینده شروع خواهد شد و نفت صادراتی به مزایده گذارده خواهد شد تا به هر کشوری که بهای بیشتری بابت آن بپردازد فروخته شود و نه از طریق کسریوم شرکت های نفتی غرب.

بقیه در صفحه ۳

انقلاب راداغ ارتجاع نزید

دریغ در چنین لحظات حساسی که خطر همه جا کام گشوده و انقلاب ما را تهدید می کند، ما بنام نیکی از مردم آسیب دیده این سرزمین که جان بر تکف در راه دگرگون کردن بنیادهای ضد ملی و برپایی انقلاب جنگیدیم، کوچ به کوچ و بام به بام فریادمان را فریاد مردان درآمیخت و این آمیختن، یگانگی و اتحاد آفرید و دشمن را با همه توان و قدرت از پای درآورد، ناچاریم برای دفاع از ابتدایی ترین حقوق انسانی قد علم کنیم و باز هم با دریغ فراوان مبارزه ای را که تازه در آغاز راه آن هستیم و بایستی از یکپارچگی کامل برخوردار باشیم، بنیاد و بگونه حق نفس کشیدن، حق مادر واقعی بودن و حق انسان بودن، به مبارزه ای جداگانه بدل سازیم.

بقیه در صفحه ۳

دو اعلامیه

از جبهه و حزب ملت ایران

صفحه ۲



کرد... و کردستان

داریوش فروهر:

مساله کردستان بسیار عمیق است، اما مطلقا خطرناک نیست از مردم عادی تا رهبران و شخصیت های برجسته کرد اندیشه تجزیه را اندیشه ای مطرود و محکوم می دانند

مساله کردستان - که بعضی ها دانسته یا ندانسته، آرزای بیش از اندازه بزرگ کرده اند - درحقیقت و به تقریب، مساله سراسر ایران است، آن، نیاز به لمس کردن و حس کردن بیشترین آزادی های ممکن است، درچارچوب اصول و قوانینی که حاکم بر تمامیت ارضی وحدت سراسری مردم ایران باشد.

آنچه امروز در خود تهران می گذرد و نمایشگر شور انقلابی مردم تهران است و توقعات بیشماری که در زمینه کسب آزادی های ضروری دارند، به گمان من، نه تنها تفاوت چشمگیری با آنچه در آذربایجان و گیلان و کردستان و بلوچستان و خوزستان و خراسان می گذرد، ندارد، بلکه جهتی شتابناک تر و تیزتر هم دارد، لکن حساسیت ملت، متوجه خطوط مرزهای کنونی است و اضطراب ها و نگرانی های پدید آمده نیز تاحدی مربوط به همین مسئله است.

بدیهی است که پس از تشکیل مجلس موسسان و طرح و تصویب نهائی قانون اساسی و اصول انقلاب، برای مردم ایران تاحدی بابت مشکل

بقیه در صفحه ۲

بار اول از سوی دکتر فاطمی
مهر و موم شده بود.

کاخ سعدآباد برای دومین بار لاک و مهر شد

معاون نخست وزیر در امور انتقال گفت کاخهای سعدآباد برای دومین بار «لاک و مهر» شد. هاشم قاجار در گفتگویی با خبرنگاران ضمن اشاره به انتقال قدرت در گفتگویی با خبرنگاران ضمن اشاره به کاخهای افسانه ای شاه سابق و خانواده اش که از سرمایه مردم بنا شده است و تنها بعضی از آنها در مواقعی خاص مورد استفاده قرار می گرفت، گفت براساس لایحه ای که به تصویب هیات دولت وقت انقلاب اسلامی و شورای انقلاب رسیده است کلیه اموال شاه سابق و خانواده اش مصادره می شود و متعلق به دولت خواهد بود. صباغیان افزود هنگامیکه برای «لاک و مهر» کردن کاخهای سعدآباد به آنجا رفته بودم بیاد روزی افتادم که دکتر فاطمی شهید قبل از کودتای شرم آور ۲۸ مرداد کاخهای سعدآباد را «لاک و مهر» کرد و من برای دومین بار این کاخهای افسانه ای را «پلمب» کردم.

صباغیان خاطر نشان کرد در کاخ سعد آباد مجموعه های بسیار افسانه ای گردآوری شده، بطوریکه تنها یک قطعه فرش آن یکصد و ۴۰ متر مربع مساحت دارد و کارشناسان نوانسند برای آن قیمتی تعیین کنند. وی یادآور شد که این کاخها بصورت موزه نگهداری خواهد شد و مجموعه کاخ سعدآباد بصورت پارک عمومی در می آید تا همه مردم بتوانند از آن استفاده کنند. او در اشاره به کاخهای دیگری که مورد دیدار او قرار گرفت، گفت از کاخهای اطراف نخست وزیری در خیابان پاستور سیصد و ۳۶ قطعه فرش جمع آوری شد که به بانک کارگشایی تحویل داده شده است که روی بعضی از این فرشها قیمتی بیش از ۲۵ میلیون ریال گذاشته اند. صباغیان درباره تعداد کارکنان دربار گفت، این وزارتخانه ۲ هزار و ۶۰۰ حقوق بگیر دارد که ماهانه جمع حقوق آنها بدون مزایا ۳۰۰ و هفتاد میلیون ریال بوده است.

تعداد دیگری از کارکنان سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران اخراج می شوند. در پی اخراج ۵۰ تن از کارمندان سازمان رادیو تلویزیون، دیشب کسب اطلاع شد که بیش از صد نفر دیگر از کارکنان این سازمان در این هفته اخراج خواهند شد. دیشب یک مقام در سازمان رادیو تلویزیون به روزنامه جبهه ملی گفت هنوز تعداد این افراد که بدلیل مختلف کنار گذاشته

* در دو روز آینده

تعداد دیگری از کارکنان رادیو تلویزیون اخراج می شوند



امام در قم

امام خمینی روز پنجشنبه هفته گذشته وارد شهر مذهبی قم شدند و یک میلیون نفر از ایشان استقبال کردند حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری تالیست، کیلومتری شهر قم به استقبال ایشان رفتند. امام خمینی در این شهر پیامی خطاب به ملت ایران فرستادند.

عاقبت، روشنی فجر، پی تیگرگی شام بلند.

سالها، نبرد شبنامه های ما بود با تاریکی شب طولانی - شبنامه هایی که با دیشب نوشته می شد و با کارین، تکثیر می شد.

سالها، نبرد با پاسیان هایی بود که نیمه شب ها، در سیاهی و خلوت کوچه ها کمین می کردند تا پخش کنندگان شبنامه ها را بگیرند، بزنند، بترسانند و ناامید کنند.

سالها، شگرد کوچه های خطر بودیم تا پاسدار آرمان های ملی مردم میهن خود باشیم، پاسدار آنچه که میهن بزرگ برای ما گذاشته بود و آنچه که ملت به ما سپرده بود.

سالها، در پستی خانه ها و در زیر زمین ها، صدای یکواخت پلی کبی هایی که اعلامیه ها و نشریه های جبهه ی ملی ایران و احزاب وابسته به آن را چاپ می کرد، اعصاب ما خدمتگزاران جبهه را زیر فشار می گرفت و نفس هایمان را در سینه حبس می کرد. هر لحظه بیم هجومی می رفت و درهم کوفتنی. برای ما، یک دستگاه پلی کبی کهنه، بیشتر از کوهی از طلا می آرزید، چرا که با آن، به جنگ با شیطان می رفتیم.

سالها در چاپخانه های مخفی یا چاپخانه های کوچکی که شبها پنهانکارانه برای ما کار می کردند، می ایستادیم به حروف چین و چاپ کردن و به کول کشیدن و پخش کردن. انکار نمی کنیم که می ترسیدیم. اما ترس، جرم نبود، به ترس میدان دادن و تسلیم شدن جرم بود. در آن سالهای بیم و امید، ما همه نوجوان و جوان بودیم، همه سرشار از ایمان بودیم و دلپسته ی خدمت به مردم. جوانی مان همه به شبنامه

بقیه در صفحه ۲

گرد... و...

نظام انتقالی جدید، بلکه برای نظام فاسد و ضدانسانی قبلی، والیته اقتدر خطرناک بود که بتواند آن نظام را به مخاطره بیندازد و واژگون کند.

پس من اصولا نمی توان مسئله کردستان را از مسائل و مشکلات کل ایران تفکیک کنم، گرچه مسائل منطقه ای و خصوصیات سنی تیره های مختلف ملت ایران ایجاب می کند که به مسئله نیزه های خاص منطقه ای و مشخصات منطقه ای در سراسر ایران توجهی خاص شود و نیزه های مردم هریات یا منطقه به دقت شناخته شود و در برآوردن این نیزه ها اقدام شود.

در غیر این صورت مسلما حقوق گروهانی از مردم ایران پایمال خواهد شد، و با پایمال شدن این حقوق، طبیعتا این حق پدیدخواهد آمد که به اعتراض برخیزند.

لازم است در اینجا به خاطر بیابوریم که در صدر مشروطیت و از پی انقلاب مشروطه نیز ملت ایران دقیقا به حقوق مردم ایالات آگاهی داشت و به همین دلیل نیز در قانون اساسی لایحه پدیدمانند «انجمن های ایالتی و ولایتی» قید شد، لیکن، بدبخانه با ظهور دیکتاتوری رضاخانی، این مقاله اساسی نیز مانند بسیاری مقالات به دست فراموشی سپرده شد.

در مورد حقوق مردم مستعبد کردستان که این

من در گفت و گوهای خود با کردان به این نتیجه رسیده ام که این واژه، آنچنان که طرح شده، هیچ رابطه ای با «تجزیه طلبی» ندارد. این واژه دقیقا ناظر است بر جمع اختیارات امکانات و آزادی هائی که می توان به منطقه یا ایالتی از ایران داد تا در راه پاسداری آداب و رسوم خود و پیشبرد اقتصاد خود، قدم های سریع و سازنده ای بردارد و برای آبادانی ایالت خود، حق نظارت کافی و اختیارات لازم را در خود منطقه داشته باشد.

این «درخواست» عکس العمل طبیعی مردمی است که پنجاه سال، هر نوع اختیاری از ایشان سلب شده است و هیچگونه حقی برای تعیین سرنوشت خود نداشته اند.

«خودمختاری»، عطف به گفت و گوهای طولانی با همه گروه های اجتماعی مردم کرد و عطف به آشنائی دقیق با تاریخ این بخش از ایران، دقیقا همان چیزی است که ما «آزادی برای انتخاب» می نامیم، نه آزادی برای منگوانی کردن کردان.

همه کسانی که من در این سفر با آنها گفتم و گو کردم و از مردم عادی تارهرمان و شخصیت های برجسته کرد را شامل می شود به تاکید و با دلایل منطقی و تاریخی بیان کردند که اندیشه تجزیه نیز اندیشه ای محکوم و مغرورانه است. البته انکار نمی کنم که من و نیروهای ضعیف

و مخرب هم در کردستان دیدم که به هیچ وجه مورد تأیید مردم نیستند و مشابه این نیروها، در زمان کوتلی، در سراسر ایالات و مناطق ایران - و حتی در خود تهران هم وجود دارد.

بسیار خوب! پس در زمان حاضر، هجمنان که گفتیم باید به دردهای اساسی و ریشه دار ملت ایران بپردازیم نه مسائلی که طرح آنها، در عین بهبود ایجاد افتراق و تغلل در حل مشکلات می کند.

باز هم بدیهی است که در زمان و در هر نقطه ایران و تحت هر شرایطی، اگر سخنی از تجزیه ایران به میان بیاید - که در زمان حال، مطلقا نیامده است - این برعهده ملت ایران و برعهده یک ارتش ملی نیرومند خواهد بود که همواره در سراسر میهن، از تمامیت ارتشی ایران دفاع کند و این کار را هم خواهد کرد.

اما تحریک به آشوب در جهت متزلزل کردن بنیان های انقلاب و ایجاد تأخیر در نتایج آن، از سوی دشمنان انقلاب ایران، به نظر من، امری طبیعی است.

حکومت ها و افراد معتمد هستند که موقیت و منافع غیر انسانی خود را در مخاطره می بینند آنها تا جاتی که بتوانند، دست از تحریک و تقویت نیروهای مخرب و ضد انقلابی و کارشکنی در راه انقلاب برمی دارند. اما اینها همه از ویژگی های

خواست «سریه خودی» و «خودمختاری» و «آزادی»...
رسیده بودیم! اما ما هنوز ۷۰ میلیون بیابوریم، ما از حکومت مرکزی دوریم، ما از نقشه ها و برنامه های حکومت مرکزی خیر نداریم، ما می خواهیم خودمان را در دهن حکومت مرکزی زنده نگه داریم، می خواهیم فراموش شویم و می خواهیم حقی را که از دست داده ایم دوباره به دست بیاوریم.
اگر ما تجزیه طلب باشیم، یک تهرانی مبارز، به مراتب پیش از ما تجزیه طلب بوده است و یک تهرانی معمولی که اصولا سالیان تن به تجزیه داده است، اگر غیر از این بود، چطور اجازه می داد که ایران، خلاصه بشود توی تهران و سراسر ایران به صورت یک مستعمره بزرگ برای شهر چهار میلیون نفری تهران درآید! ما پنجاه سال شکنجه شدیم، حق نفس کشیدن، حرف زدن و حتی آباد کردن سرزمین ما را نداشته ایم. حاکمان که بیچهارا از جانوران وحشی می ترسانند، مردم تاقاط دیگر ایران را از ما می ترسانند و از ما به عنوان یک عامل تهدید و یک نیروی وحشی یاد می کردند که ممکن است بیزیم رضاییه یا تیزیم تهران، و همه جا را غارت کنیم و کشتار کنیم و فجیع راه بیندازیم نگاه کنید، من در دستار و نگاه کنید، بعد بروید از یکی از شهسروی هایان بپرسید، «کردها چون آدم های هستند» کسی که بر ما رفت، باور کردنی نیست، رضاخانی و محمدرضاخان قلندر، تمام هستی و زندگی ما را به باد دادند، حرف ما را دهنه در دهن کردند و ما را به روز سبک داشتند. حاکمان، حالا که انقلاب

گردیدیم و به پیروزی رسیده ایم، ما می خواهیم که حق مطالبه کنی سرنوشت مان را داشته باشیم، می خواهیم حق را بدانیم، حق حرف زدن به کردی، کتاب نوشتن به کردی و همه ی حقوق ملی و انسانی دیگر را داشته باشیم، ما هم مثل خراسانی ها هستیم، مثل بلوچستانی ها، از بیابانی ها و گیلانی ها، ما هیچ فرقی با آنها نداریم، ما فقط با استانهای داخلی ایران فرق داریم، به این دلیل که آنها سرزمین های مرزی نیستند و وصلی تجزیه طلبی به تن شان نمی چسبد.
 ببینید! درد در همه جا یکی است، و درد در حقیقت، صورت مسأله ی ما است؛ ملتی بیشتر از یک قرن رنج کشیده و استعمار و استثمار را تحمل کرده است، این ملت، حالا که بی یک انقلاب بزرگ تکیه کرده می خواهد از رفاه و آسایش و آزادی برخوردار شود. این «صورت مسأله» در همه حال و در همه جا یکی است. به خاطر راه های حل مسأله بحث کنیم نه صورت مسأله.

می گویم: بحث کنیم، منتفی من تقریبا سی ساعت است نخواستیدم و خیلی خسته هستم، اجازه می دهید کمی استراحت کنم، بعد...
 جوان ریز نفسی سرک می کشد و می گوید: «انقلابی خسته، به هیچ دردی نمی خورد، اگر واقعا انقلابی هستی، حق نداری خسته باشی.»
 سخن گفتن با هوشمندان، کاری بسیار مشکل است. «تا تمام»

من مشکل است که حتی توضیح بدهم حرف زدن با آدم هایی که بی سوادند و بی سوادند، فشار کار آسانی نیست، چنان چندی و سنگی هستند که فکر می کنم اگر سوالی بی ربطی از دهانم درآید، ممکن است تحت سینهام بزندند، اما در همین حال، جوانی، کیف سنگین را می گیرد و می گوید: «دست خسته می شود، این را بده به من» قضاوت کردن آسان نیست، اما سر به باد هم می توانیم بگیریم که اینها واقعا آدم اند. خشم شان خشم انسانی است، و محبت شان محبت انسانی.

من پیش از این، سراسر کردستان را گشته ام؛ اما حالا کردستان ما، کردستان قدیم نیست؛ همانطور که هیچ کجای ایران، ایران قدیم نیست، ظلم و نفرت، به مردم جرئت انقلاب کردن داد، و انقلاب، به مردم، جرئت حرف زدن، آمدی که بخراشد جلوی حرف زدن دیگران را بگیرد، احمقی است که فرهنگ استعمار را به ابرت برد است.

امروز، همانطور که دشنام دادن به بانین نظام پیشین جرمی نیست، جسورانه انتقاد کردن از روند انقلاب نیز نمی تواند جرمی باشد؛ چرا که این انتقاد است که دست از مغز می کشد و مغز از چشم، و همه ی اجزاء یک بدن از اجزاء همان بدن، مبارز جوان می گوید: ما اینجا، از حرف های که شما پشت سرمان می کشید، در روزنامه ها و رنج می کشیم، و شما، بازم، در روزنامه ها و رادیو تلویزیون، دائما از «بیم تجزیه» می گوید و از اینکه «تمایلات تجزیه طلبانه را به کودتای سرکوب خواهید کرد» حالا اگر اعتقادی به آنچه که در تهران می گویند نداشته باشید، ما به شما خبرمقدم می گویم، به کردستان خوش آمدید!

می گویم: مستحکم برادر! این همه اسلحه را از ارتش گرفته ای؟
 می خندد و جواب می دهد: نه، کلانگنک، مال ارتش نیست، این کلت ها را هم توی بازار می فرشته، ما از ارتش اسلحه ی زیادی نگرفته ایم، ما تقریبا همه مان مسلح هستیم و مسلح هم بوده ایم. آیا مسلح بودن، دلیل بر تجزیه طلبی است؟
 می گویم: نه... اما بعضی شعارها بوی بدی دارد؛ مثل شعار «سر به خودی با کردان» که در نطق شیدم و «خودمختاری با کردان» که اینجا، گروهی از استقبال کنندگان به فریاد می گفتند.
 جوانی خودش را جلو می کشد و می گوید: همه ی مسأله همین است، شما قسمت اول شعار ما را ول می کنید، قسمت دومش را می چسبید. «دمکراسی با ایران» و «روی نقشه ایران» را می شنیدیم مگر شما فریاد نمی زنید: «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی»! آیا می دانید که «آزادی» به تنهایی، هیچ فرقی با «سریه خودی» ندارد؛ آیا می دانید که «خودمختاری» چیزی بجز داشتن حق حیات نیست؟
 شما، تهران چند وقت پیش را به خاطر بیابورید، آیا آن وقتی که جوانهای تهرانی نیز شکنجه، له می شدند، آن وقتی که زندان های تهران پر از مبارزان بود، و آن وقتی که هیچکس در تهران، حق نفس کشیدن نداشت، شما دلتان نمی

گزارشی از کردستان

نادر ابراهیمی

✱ اگر ما تجزیه طلب باشیم، یک تهرانی مبارز، به مراتب پیش از ما تجزیه طلب بوده است.

✱ «صورت مسأله» در همه حال و راه های حل مسأله بحث کنیم نه صورت مسأله.

حیات اعزامی، در میدان بزرگ مهاباد برای استقبال کنندگان، حرف می زد. من از حیات جدا می شوم و به خانه ی حضرت شمع مرادین حسینی - امام جمعی مقتدر و محبوب مهاباد - می آیم. تقریبا همه مسلم اند؛ از نوجوان چهارده ساله تا پیر مرد هشتاد سالمین گویا گردن من را محکم از میان تمام خانه ها و هم بام خانه ی ساده و مفرق خود آموخته ها مسلسل به دست، سرک کشیده اند و نگاه می کنند. مسلسل به دست ها ایستاده اند، خاموش و استوار، و مسلسل هایشان، انکار آمادی شلیک است. یک لحظه به یاد زنده باد

زایاتاه می افتد و آن صحنه ی غم انگیز به گوشه ی بسن زایاتاه، و فکر می کنم اگر بتواند حیات اعزامی را به گلوله بیند، سهم هر یک از اعضای حیات، پیش از آنقصد تیر خواهد بود؛ اما داریوش فروهر، پیش از این دستور داده است که چریک های تهرانی ما - که فقط یازده نفر هستند - حساب ها را از مسلسل ها بیرون بکشند و سلاح هایشان را به دوش بیندازند. در اینجا، دشمن وجود ندارد و اگر داشته باشد، دوست، خدمت دشمن می رسد. احتیاجی به آن نیست که چریک تهرانی، آنکست به ماشه برود چریک های تهرانی - بیخه های خوب و جان برکف - خوشحالت که چنین دستوری را دریافت داشته اند، آنها قطره یی در دریا هستند و قطره با همجنس خود - که در طبیعت - نمی چسبند. یک مبارز جوان کرد، که دو سلاح و مقدار زیادی فشنگ با خود حمل می کند و لباس بسیار پرازنده و تاریخی کرده به تن دارد و ظاهری کاملاروستایی، جلوی در خانه ی امام جمعه به من می گوید: شما با حیات اعزامی هستید؟
 می گویم: تقریبا بله، من «نایب انقلاب» را می نویسم و آمده ام تا خط اصلی حوادث مربوط به انقلاب را دنبال کنم.

بلافاصله و بدون هیچ مقدمه یی می گوید: شما برای تحقیق درباره ی مسأله ی تجزیه و تجزیه طلبی به اینجا آمده اید؟ کدام تجزیه ای؟ کدام تجزیه طلبی؟ کدام تجزیه طلبی؟ اگر چیزی را می خواهید می بینید، چرا خواب را واقعیت تصور می کنید؛ مگر شما نمی دانید که ایجاد ترس از تجزیه و شوش کردن افغان مردم با طرح این مسأله، یکی از صدها خرابه ی صدمعی و ضد انقلابی است که سازمان سیا از آن استفاده می کند؛ مگر شاه سابق و شریف امامی و ازهار و ی، مخپنار، با همین حربه مردم را نمی ترسانند؟ اگر شما دنبال حیات های آنها و به فکر تأیید برنامه های ضد انقلابی

کدام تجزیه؟ کدام تجزیه طلب؟

تعداد دیگری...

می شوند مشخص شده است لیکن در مدت دو روز آینده تعیین خواهد شد.

واحدانی در سازمان رادیو تلویزیون بزودی منحل خواهد شد و از جمله این واحدها، مدیریت جشن هنر، فرهنگ مردم، جشن طوس را می توان نام برد و امور اداری، دفتر مرکزی، خرید، تولید و واحدانی که کار نمایندگی های خارج از کشور را انجام می دهند بصورت واحدهای کوچکتر به کار خود ادامه خواهند داد.

پس از کوچکتر شدن واحدها و حذف تعداد دیگری از مدیریت های سازمان رادیو تلویزیون، کارمندان این سازمان به حداقل کاهش داده می شود در حال حاضر سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران حدود ۸ هزار و ۴۰۰ نفر کارمند دارد که ۵۰ نفر آنها اخراج شده اند و تعداد دیگری در دو روز آینده از این سازمان کنار گذاشته می شوند.

روحانیت و حکومت

تاریخچه دو قرن مبارزه روحانیت علیه استبداد و استعمار

از ۱۳۰۰ هجری قمری تا امروز تحقیق از: محسن میرزایی

روز دوشنبه چهاردهم اسفند ماه مصادف است با دوازدهمین سالگرد درگذشت دکتر محمد مصدق پیشوای درگذشته ملت، مراسم بزرگداشت دکتر مصدق که به یمن پیروزی انقلاب بزرگ ملت ایران پس از سالها هفخان امکان پذیر گشته از ساعت ۴ بعد از ظهر امروز در خانه جوانان شیر و خورشید اصفهان برگزار خواهد شد. از شهسروان گرامی دعوت میشود برای تجلیل از مقام والای این بزرگمرد تاریخ و قهرمان مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی ایران در این مراسم شرکت نمایند.

جبهه ملی ایران - اصفهان

بزرگداشت دکتر مصدق

روز دوشنبه چهاردهم اسفند ماه مصادف است با دوازدهمین سالگرد درگذشت دکتر محمد مصدق پیشوای درگذشته ملت، مراسم بزرگداشت دکتر مصدق که به یمن پیروزی انقلاب بزرگ ملت ایران پس از سالها هفخان امکان پذیر گشته از ساعت ۴ بعد از ظهر امروز در خانه جوانان شیر و خورشید اصفهان برگزار خواهد شد. از شهسروان گرامی دعوت میشود برای تجلیل از مقام والای این بزرگمرد تاریخ و قهرمان مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی ایران در این مراسم شرکت نمایند.

جبهه ملی ایران - اصفهان

مصطفی بارزانی درگذشت

مصطفی بارزانی دیروز درگذشت. دیروز در لندن اعلام شد که مصطفی بارزانی بر اثر سکته قلبی در ایالات متحده آمریکا درگذشت. سخنگوی حزب دمکرات کردستان گفت که مصطفی بارزانی هنگام مرگ ۷۶ سال داشت و قرار بود دوازده روز دیگر بسوی تهران حرکت کند.

همبستگی ملت و دولت اتیوپی

خبرگزاری تاس از آدیس آبابا گزارش داد وزیر خارجه اتیوپی به نمایندگی از سوی ملت و دولت سوسیالیستی اتیوپی حمایت و همبستگی کامل آن کشور را با ملت ایران که خود را از شر سیستم وحشیانه خفقان و استثمار رها نموده است ابراز داشت. او در پیامی که برای کریم سنجابی وزیر خارجه دولت انقلاب اسلامی ایران فرستاد تاکید کرد که اتیوپی همواره رژیم شاه را محکوم کرده است.

کمیته های شیراز منحل شد

کمیته های انتظامی شیراز امروز منحل می شود. آیت الله العظمی مصلحتی و آیت الله سید عبدالحمید دستغیب با صدور اعلامیه انحلال کمیته ها را اعلام کردند. در این اعلامیه آمده است اکنون که با صدور اعلامیه ای از سوی زعيم عالیقدر حضرت آیت الله العظمی خمینی انتظامات را بهمه سازمانهای دولتی قرار داده اند ضمن تشکر فراوان از مجاهدان عزیز اعلام می داریم که تمامی کمیته های انتظامی از روز شنبه ۱۲ اسفند ماه منحل شده و ستاد انتظامی مرکب از نیروهای مسلح و مجاهدین در کلاترپها و پاسگاهها مستقر خواهند شد.

سفر اعضای کمیته انقلاب و دفتر آسیائی جبهه ملی ایران.

بدنبال فعاليتها و کوششهای خستگی ناپذیر چند روزه گردانندگان ارگانهای انقلابی در دبی، صبح روز شنبه گذشته عده ای از گردانندگان فعاليتهای انقلابی برای عرض تبریک به پیشگاه ملت دلیر ایران و بحضور رهبری عالیقدر ملت، امام خمینی روانه تهران شدند. سفرشان سلامت و ره آوردشان در جهت منافع هموطنان عزیز. این هیات را بتهران گسیل داشتیم تا دردهای ما را ضمن دیدن و شنیدن دردهای ملت زنجیده و پیروزمان بازگو کنند. رفتند تا بگویند که ما چندین ده هزار ایرانی ساکن در کرانه های جنوبی خلیج فارس چه مرارتها کشیده و میکشیم و از دست رژیم مغرور چه رنجها متحمل شده ایم. رفتند تا بگویند که در این سوی آبهای خروشان خلیج ما با چه سکوت مرگباری گذرانده ایم و چه القاب تنگینی که بجرم ایرانی بودن از میزبانانمان دریافت کرده ایم... و رفتند تا بگویند که انقلاب از ایرانیان مغلوب چند ماه پیش چه نیروهای مبارز و سربلندی ساخته است. و اینکه ایرانی در اینجا ارزش و احترامش بفلک رسیده است.

ما نمایندگان خود را فرستادیم تا به دولت انقلابی اطلاع دهند که کارنهای استبداد در این سوی خلیج هم با دستگیری حکومتها وابسته منطقه ما را خفه کرده بودند و از دبی که بگرییم، در سایر شیخ نشینها هنوز هم با ایرانی اجازه ابراز دردهای خود را نمیدهند. و بگویند که با وجود اینکه در دبی ازادانه اجتماعات چند هزار تنی راه میاندازیم، در سایر شیخ نشینها حتی از اجتماعات خیلی کوچک برادران ما هم جلوگیری میکنند. در منطقه این کانون سرسپردگی و استثمار محدودیتها از حد گذشته است. شمارا نوید میدهم که از این پس آزادترین و قویترین قشر مردم موجود در اینسوی خلیج شما خواهید بود. شما شاگردان مکتب خمینی بزرگ که نظام های قدرتمند و پیشرفته غرب را هم بلرز درآورده و زلزله انقلاب پایه های حکومت غاصب و ظالم صهیونیستها را در سرزمین مقدس فلسطین میلرزاند و نوید پیروزی نهایی را برادران فلسطینی شما میدهند.

شما خبر شما بدرقه راه رسولتان، و چشمهای منتظر شما براه بازگشت موقیبت امیرشان. پیروز باد ملت، برهبری زعيم عالیقدرش امام خمینی بت شکن، سربلند باشید شما برادران و خواهران ایرانی مبارز اینسوی آبهای گرم خلیج فارس.

یازدهم اسفند ماه ۱۳۵۷

کمیته انقلاب و دفتر آسیائی جبهه ملی ایران



بنا خداوند پیروز را
پیروز و دیروز و امروز

هنرش نیز بگو...

شاید هیچ مدیری نتواند درمدتی کوتاه، مرتکب آن مقدار از اشتباهاتی شود که سرپرست رادیو - تلویزیون انقلاب اسلامی مرتکب شده است و هیچ مدیری نتواند تا این اندازه خشم مردم و روشنفکران سیرده به صدواوسیماي انقلاب را به این آسانی برانگیزد. من در این دوهفته، چندین بار درباره ی معایب کار آقای قطب زاده نوشته ام و مکرر به اشکال درآوردن و غم انگیز سانسور و انحصار طلبی و گرایش های ارتجاعی در تلویزیون اشاره کرده ام، پس اخلاقا برعهده ی من است که اینک، درمیان کسانی باشم که سرپرست رادیو - تلویزیون ایران را به دلیل اقدام صدرصد منطقی و انقلابی اخیر ایشان - یعنی اخراج گروه زورگویی از بدکاران و فسادپشکان می ستایند. تا آنجا که می دانیم، دیده بیم وحس کرده ایم، بن گروه رانده شده (البته به جز دو یا سه تن که ماها برپیشینه ای ندارند و مسلما دستگاه بازرسی تلویزیون، به شکل عادلانه یی به این مساله توجه خواهد کرد) درحکم غده های سرطانی و منبع چرک آلودگی رادیو تلویزیون ایران بودند، وسالیان سال با استفاده از روش های ضدانسانی و ضدملی بود، رادیو - تلویزیون را به مرکز توسعه ی فساد دروغ و ارباب تبدیل کرده بودند. گروهی از ایشان، کارشان فقط این بود که

ای آفریدگار پاک!
ترا پرستش میکنم و از تو یاری می جویم

یاد مصدق

همیشه پیشوای ملت، مردنمای تاریخ. سالار مبارزان ایران، مظهر نبرد با استبداد و استثمار، دکتر محمد مصدق، ما را ندا می دهد که پاسداری خاطر رزمندگان شهید، پاسداری شرافت انسانی ست. مصدق، این چلچراغ هزار شعله تاریخ، که شقاقت اندیشه و فرزندگی ایمانش، گلرگه طولانی حیات ملت های ستمدیده را روشنی بخشیده است و خواهد بخشید، اینک، دوازده سال است در بازداشتگاه خود قلمه احمدآباد، درپرست ابدی اش، نگران هر لحظه از مبارزات دلیرانه ملت ایران است و چشم روانش، ناظر بر جنبش و انقلاب ایمانی ما، آنچه تمامی وجودش آرزو می کرد و با همه خاطرش می جنگید و در راه وصولش ناکام از پایه آمد، اکنون در اختیار ماست.

دیرخانه حزب ملت ایران

استقرار حاکمیت ملی
هدف جبهه ملی ایران است
بنام خدا
بزرگداشت مصدق
هم میهنان:

دوازدهمین سالگرد غم انگیز درگذشت دکتر محمد مصدق پیشوای نهضت ملی ایران فرا رسید. در زمان دهشتنایی که شهبای تاریک زندگی ملی ایرانیان بود، مردم میهن ما چشم بافق خونین انتظار دوخته بودند تا بیاید آن روز بزرگ که بتوانند از مظهر استقلال ایران و نمونه گرانقدر مبارزات رهایی بخش ملی همه ملت های ستمدیده جهان تجلیل بعمل آورند و صمیمانه ترین سپاسهای خود را پیشکش قهرمان دوران سازی کنند که در سوگ جانگدازش، دشمنان بی آرم ملت، آن سرسپردگان زشت فرجام استعمار، هیچ قلبی را امان نپسیند و هیچ چشمی را سعادت گریستن ندادند. سالهای شوم و سیاه یکی پس از دیگری آمدند و رفتند. در این دوازده سال، سیه روزی و شکست و گسست، همراه با مردم بود. اما ملت، نه از خورشید چشم برداشت و نه شکست خورد و نه گسسته گردید و استوارتر از همیشه با شناخت بنیادهای فرهنگی و حرکت های اصیل و سرنوشت ساز دینی، به خط پیکارهای دگرگون ساز گرایش یافت و با کوشش های بی دریغ و از خود گذشتگی های فراوان و ایثار خون بگونه کار مایه انقلاب توانست به زعامت حضرت آیت الله العظمی امام خمینی با در هم کوبیدن مطلق شالوده های استبداد زیر سلطه، جامعه را در مسیر استقلال و آزادی قرار دهد و در نخستین روزهای این پیروزی تاریخی بتواند در مبارز مقدس پیشوا، نقش پررنگی و پیشتاز دینی را بر عهده گیرد. دوستی و وفاداری خود را به او و به راهی رهایی ایران است، استحکام بخشد.

هم میهنان، زنان و مردان ایرانزمین

جبهه ملی ایران به گونه سازمان شکل دهنده نهضت ملی ایران، به ابتکار و راهنمایی دکتر محمد مصدق شکل گرفت و در دوره اول مبارزات ملی ایرانیان به پیروزیهای درخشانی رسید و در دوره دوم، ثبات خود نیز کوشش های فراوانی بظهور رساند تا آموزشهای خردمندان آن پیشوای بزرگ به کار رود و ملت از بن بست های سیاسی بدراید و در زمان حاضر هم که مردم ایران در تحقق بزرگترین انقلاب خونین اسلامی بیا خاستند. همه گاه کوشش کردند تا از درست ترین رهنمودهای سیاسی آن مبارز جاویدان برخوردار گردند. هم اکنون، جبهه ملی ایران، ادامه دهنده راه درخشان دکتر محمد مصدق از همه شما هم میهنان آگاه و مومن و وفادار به نهضت ملی ایران دعوت میکند که روز دوشنبه چهاردهم اسفند ماه ۱۳۵۷ در برار آن زنده بیدار در قریه احمد آباد گردهم آید، تا انسان که در شان این بزرگبرد تاریخ ایران است، ابراز سپاس و احترام بعمل آید.

دهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت
جبهه ملی ایران

ساعت دو بعد از ظهر چهاردهم اسفند، احمد آباد (جاده قدیم قزوین - آبیک)، برای آندسته از کسانی که وسیله نقلیه شخصی در اختیار ندارند، تعدادی اتوبوس آماده خواهد بود. ایستگاه اتوبوس ها
اول خیابان آینهوار، بعد از میدان و ساعت حرکت ۱۰ صبح تعیین شده.

هستیم و بیانگر این واقعیت تاریخی که یک مبارزه ی اصیل و خالصانه و همگامی با مردم ستمدیده و گزینش راه درست، بی شک پیروزی را در پی خواهد داشت...
برای آنها که از نیمه راه برگشتند و آنها که به جبهه ملی ایران پشت کردند تا راه سازش و تسلیم را در پیش گیرند، خجالت ماند و سرافکندگی و داغ خیانت، و برای ما چیزی نماند الا نجابت

عاقبت، روشنی فجر، پی تیزگی شام بلند...
ما هم روزنامه یی داشته باشیم؟
روزنامه یی که در دهکده های روزنامه فروشی ها، نمایندگی استمرار و طهارت مبارزه ی ما باشد؟ اینک، ما اینجا هستیم، در کار شما و در دست های شما. اینک ما در دهکده های روزنامه فروشی ها می نشینیم: پلی کبی کردن و در مخفی زندگی کردن و پیمان مان استوارتر شدو پامداد ره های نزدیک تر. در تمامی آن سالها به خود می گفتیم: آیا روزی خواهد آمد که

روزنامه پرخش، روزنامه اصیل و سیاسی مبارزان ملی ایران که در پس کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ توقیف گردیده بود پس از ۲۵ سال با مشارکت نویسندگان متعدد و پایمرد جنبش ملت ایران انتشار مجدد خود را فعلا بصورت هفتگی آغاز میکند. نمایندگان مطبوعات شهرستانها که سابقه همکاری با پرخش را نداشته اند میتوانند تقاضای نمایندگی را همراه با معرفی نامه از یکی از شخصیت های مبارز محلی یا جبهه ملی به دفتر روزنامه ارسال دارند.
دفتر موقت: تهران، پیچ شیران، کوچه شقایق، شماره ۲
تلفن ۷۶۳۱۴۴

در هر زمان و در هر منطقه ایران و تحت هر شرایطی، اگر سخنی از تجزیه ایران به میان بیاید - که در زمان حال مطلقا نیامده، این بر عهده ملت ایران و برعهده یک ارتش ملی و نیرومند خواهد بود که همواره در سراسر میهن، از تمامیت ارضی ایران دفاع کنند.
* مرزها در همان حد از امتیتی است که پیش از انقلاب بود.
* افرادی هستند که موقعیت و منافع غیر انسانی خود را در به ثمر رسیدن انقلاب ملت ایران در مخاطره می بینند.

طبق تصمیم شورای آموزشی نام مدرسه عالی اصفهان بنام مدرسه عالی دکتر محمد مصدق پیشوای خردمند ملت ایران تغییر نام یافت. دانشجویان و هیات علمی این مؤسسه آموزشی عالی که بهمت احمد انواری و دیگر همگامان جبهه در اصفهان تاسیس شده است و در جریان مبارزات قهرمانانه ملت ایران افتخار همگامی با نهضت و انقلاب ملت شجاع ایران را فراهم آورد.

مدرسه عالی دکتر محمد مصدق - اصفهان